

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ | ۶ رجب ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۸۸۱ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - February 18, 2021

۲۰

www.jamejamdaily.ir

نوجوانه

هزاران به‌و دارد

آبادان

بررسی کارنامه دولت یازدهم و دوازدهم در زمینه اقتصاد مقاومتی

چرا اقتصاد مقاوم نشد؟

۷ سال پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، همچنان ۵۰ درصد واحدهای صنعتی و تولیدی کشور تعطیل است

در سالگرد شیوع کرونا کارشناسان از نقاط قوت وضعف مقابله با کووید-۱۹ می‌گویند

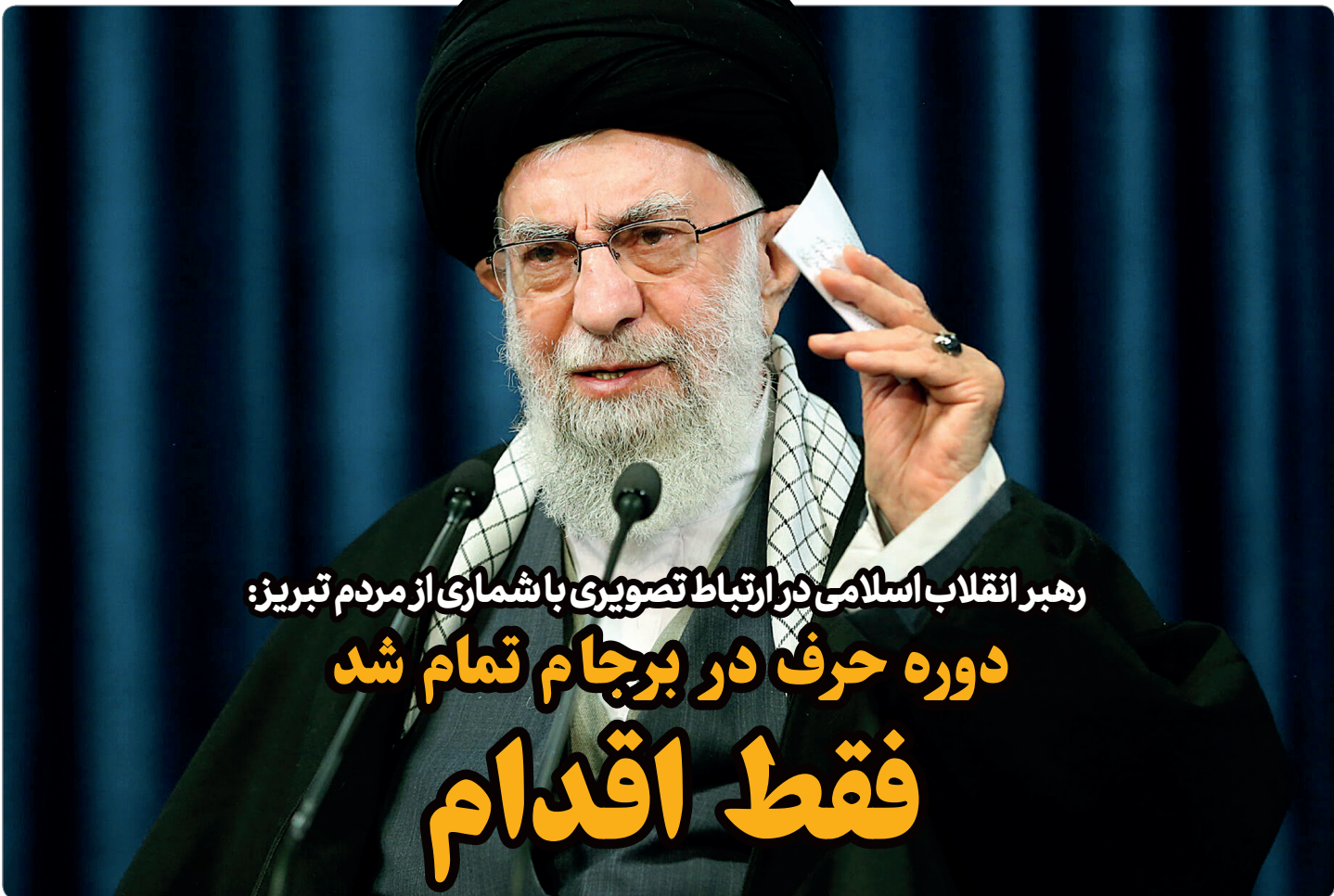
۸۸۰۰ ساعت با کرونا

امروز دقیقاً ۱۲ ماه از اعلام رسمی ورود کرونا به کشور می‌گذرد و مبارزه ما با ویروس کرونا یکساله می‌شود. امروز تقریباً حدود ۸۸۰۰ ساعت است که ذهن ما بار دغدغهای به نام کرونا را به دوش می‌کشد. در این مدت اتفاقات زیادی در کشور رقم خورد. فراموش شدنی نیست که در روزهای اول شیوع بیماری، ماسک و مواد ضدعفونی کننده نایاب شده بود و هر روز که می‌گذشت کمبودها بیشتر به چشم می‌آمد. یک روز نبود کیت‌های تشخیصی، دست و پای کادر درمان را می‌بست و روز دیگر بی‌توجهی مدیران و شهروندان به پروتکل‌های بهداشتی...

در ۱۰۰ سال شعر فارسی چه اتفاقاتی افتاد و چه افرادی بر آن تأثیر گذاشتند؟

ردای نیما بر تن شعر قرن

آرام آرام در حال بیرون رفتن از در خروجی قرن هستیم؛ قرنیه که به لحاظ بازه زمانی، مثل همه قرون گذشته، صد سال بیشتر را در بر گرفته، اما آن‌قدر سرعت تحولات در آن بالا بوده انگار هم‌عصرهای ما در مقایسه با پیشینیان، چندین قرن را به جای یک قرن زیسته‌اند. اگر بخواهیم رفتاری کروئولوژیک با شعر معاصر فارسی در قرن اخیر در پیش بگیریم، طی این گاه‌شماری خواهیم دید سراسمی بر قرن مسلط بوده‌است. گاهی در طول تاریخ شعر فارسی، قرنی می‌آمده و قرنی می‌رفته بی آن‌که بدن شعر فارسی تکه‌تکه‌ای جدی را تجربه کرده‌باشد...



رهبر انقلاب اسلامی در ارتباط تصویری با شماری از مردم تبریز: دوره حرف در برجام تمام شد فقط اقدام

گفت‌وگو با عوامل مستند سریالی «سینما ملت» که با فیلم‌ها سراغ و اکاوی تاریخ رفته‌اند

مرور سینمایی تاریخ

۶

پروفسور جیمز والش، مشاور کنگره آمریکا در گفت‌وگو با جام جم مطرح کرد:

آمریکا در برجام متهم است

۸

با فرود مریخ‌نورد پرسویرنس روی سطح سیاره سرخ دوران تازه اکتشاف در مریخ آغاز می‌شود

در یک قدمی سیاره سرخ

۱۵

دیدگاه

پیامدهای مثبت حضور حداکثری

خوشبختانه رفتار مردم طی ۴۲ سال گذشته نشان داده ملت ایران نسبت به تعیین سرنوشت خود حساس بوده و به همین دلیل در این سال‌ها مشارکت چشمگیری را از سوی آنها شاهد بوده‌ایم. علت چنین مشارکتی آگاهی مردم نسبت به آینده خودشان است. در انتخابات گوناگونی که در چهار دهه گذشته در کشور برگزار شده، اقشار مختلف مردم حضور داشتند و چنین حضوری، این پیام مهم را دارد که ملت نسبت به نظام خود وفادار و همچنین نسبت به آینده کشور امیدوار است. این حضور حاکی از ارزش و اهمیت است که مردم نسبت به مشارکت خود در امور کشور قائلند. یقیناً مشارکت فعال در انتخابات احساس مسؤولیت جمعی را افزایش می‌دهد. احساس مسؤولیت جمعی یعنی مردم نسبت به انتخاب خود احساس وظیفه و تکلیف می‌کنند. مردمی که مشارکت گسترده در عرصه‌های مهمی مثل انتخابات داشته باشند طبعاً نسبت به سرنوشت کشور و جامعه احساس مسؤولیت می‌کنند و در انتخاب خود دقت لازم را به‌کار خواهند برد تا افراد شایسته و کارآمد را برگزینند. انتخابات حق مردم است و قطعاً این حضور در انتخابات آگاهانه است و انتخاب مردم نیز دقیق خواهد بود. گذشته از این با توجه به حضور اقشار مختلف در عرصه انتخابات، رفتار قشر سالخورده می‌تواند بر رفتار جوانان و رای اولی‌ها بسیار مؤثر باشد. در حال حاضر به لحاظ سنی ایران جزو کشورهای جوان محسوب می‌شود. وجود چنین سرمایه‌ای باعث می‌شود نیروهای جوان با توجه به داشتن انگیزه لازم و در صورت داشتن فرصت و انتخاب مردم با حضور خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمینه را برای رفع بسیاری از مشکلات و معضلات کشور فراهم کنند. مشارکت بالای مردم در عرصه‌های مختلف و همچنین انتخاب افراد صالح و شایسته کشور را در مقابل تهدیدات مختلف داخلی و خارجی مقاوم و مستحکم خواهد کرد. از سویی دیگر برگزاری انتخابات با مشارکت حداکثری نقش مهمی در ناکامی توطئه‌های دشمنان علیه ملت ایران خواهد داشت. گسترش مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات اهمیت دارد چرا که شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوق‌های رای می‌تواند تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کرده و آنها را ناامید کند. مردم ایران می‌دانند یکی از مهم‌ترین اقدامات برای پیشبرد مسائل کشور و پیگیری اهداف انقلاب و نظام انقلابی حضور حداکثری آنها در عرصه انتخابات است. مردم با حضور گسترده خود در انتخابات باعث نقش‌آفرینی بیشتر خود در عرصه اداره کشور خواهند شد.

زیر آسمان کابل

نامه‌ای به آن سو

خدا رحمت کند روزی... رجبی را در نخستین نوبت انتشار این ستون قول داده بودم درباره چرایی راه‌اندازی آن می‌نویسم و گفته بودم او سبب شد این گوشه دنج با یکبر. هنوز پیام صوتی‌اش را نگه داشتم که برای موضوع آن، نظرات متفاوتی داشت. اصرار داشت فقط منحصراً به افغانستان نباشد. پیش از آن که پاسخ‌ش را بدهم، بیمار شد و به یک هفته نکشید، رفت. نشد بگیرم چرا از بین این همه سمن که یاسمن در آنها گم می‌شود، رشته‌ام سراغ افغانستان. حالا تو نیستی آقای سردبیر، اما من گریه دور و دیر نگام، پاسخ را برای تان می‌نویسم. به واقع برای دل خود می‌نویسم. دلم می‌خواست این طور می‌نوشت که: برای آنهایی می‌نویسم که در تمام این سال‌ها دست روی دست گذاشتند و تماشا کردند... اما چون یقین دارم آنها که تمام این سال‌ها چنین کردند، باز هم چنین خواهند کرد و دیگر برای این مطلب هم بر دامن شان نمی‌نشینم. لذا برای دل خود می‌نویسم. رجبی عزیز ام‌هاجرین افغانستانی بیش از یک دهه است اینجا زندگی می‌کند. تعدادشان را از سه تا شش میلیون گفته‌اند. اما در تمام این سال‌ها یکصد و چند نفره‌ای چند وقتی هم نداشته‌اند و هنوز هم ندارند. حال آن‌که آنها یک واقعیت‌اند و نیاز به دیده شدن دارند. استان‌هایی داریم با یک دهه این جمعیت که کلی نشریات بومی و صدا و سیما استانی و چه و چه دارند. باید ما داشته باشیم. البته حالا این مورد خاص - یعنی نبود - رسانه‌های برای این عزیزان حل شده است. فضای مجازی جا و راه را باز کرد. اما این لزوماً به معنای منفعت آنها نبود. مشکل دیگر نبودن چنین رسانه‌ای، می‌خیزد مانند جامعه میزبان را و واقعیت کشور، فرهنگ و زندگی قشر مهمان است. نتیجه آن که نقاره‌ها و شگاف‌ها پدید می‌آید و بسیاری در این بین لانه می‌کنند و ماهی خود را می‌گیرند. من در این حوزه چند کلمه‌ای بلد بودم. فکر کردم آخر عمری کاری کنم که شاید صدای دو طرف به هم برسد. تا حالا هم بدک نبوده‌است. هر چند به تعبیر یوسف‌جان می‌رشکاک، مراد عصر جنگ با تم، با چماق به نبرد با حریف فرستاده‌اند. بضاعت یک ستون در یک روزنامه، مسؤولیتی تالین جز بزرگ و پیچیده نمی‌تواند باشد. رجبی عزیز! گفتی ما می‌خواهیم از نظرات درمابقی بخش‌ها هم مطلب داشته باشیم. لطف و محبت را به من که همواره بیشتر از لیاقتم بود، اگر از این اصرار تو جدا کنیم، حقیقت آن است که پیش از این گفتنی‌ها گفته شده و من در این طرف مرز واقعاً حرف تازه‌ای برای گفتن نداشتم. مشکل در فرستنده‌ها نبود. با این حال پس از این گاهی هم در این باره می‌نویسم. نگاهی نیز به اطراف خود می‌اندازم و چنان که تو خواستی نیز قلم خواهم زد. اما از الان می‌گویم، ثمری ندارد. الان که سرت خلوت‌تر است و بی‌تردید در پردیس پروردگار، فرصت فراوان داری، سری به رسانه‌ها بزن. چرخ و به قول عزیزان افغانستانی چکری در دنیای فضای مجازی که به ابر رسانه‌ای در کره زمین بدل شده است، بزن! چیزهای عجیبی خواهی دید. مشکل بزرگ که از نوشتن مایوس می‌کند، آن است که همه‌آموگار شده‌اند. دیگر دانش‌آموزی وجود ندارد. خداوندگار حرفه، کار و شغلی نیز با شی و در زمینه هم نظری بدهی، باز انبوهی رهنمود دریافت می‌کنی. یک نفر سوال نمی‌پرسد. همه می‌خواهند چیزی به تو یاد بدهند. فرقی هم نمی‌کند موضوع رنگ مورد علاقه فلانی یا افغانستان یا فیزیک کوانتوم باشد. همه صاحب‌نظرند و آموزگار. لذاست که برای اهلش، خاموشی آسان و نوشتن بسیار سخت شده است.

تلنگر

این نحسی چند سال دیگر می‌ماند؟

عادی شدن به فراموشی می‌انجامد و فراموش شدن پدیده خطرناکی است. گابریل گارسیا مارکز جایی در رمان «صدسال تنهایی» مردم روستای خیالی‌اش را درگیر نوعی فراموشی می‌کند. مردمی که کم‌کم همه چیز را از یاد می‌برند، شروع می‌کنند اسم چیزها را روی کاغذ می‌نویسند و بر آن می‌چسباندند. بعد کم‌کم اسم‌ها را هم فراموش می‌کنند و مجبور می‌شوند کاربرد و توضیح مختصری از چپستی‌اش را هم روی کاغذ بنویسند و کنار اسم‌شان بچسباندند اما بعد از مدتی دیگر یادشان نمی‌آید آن کاغذهایی که روی‌شان چپ‌چیزی نوشته شده، اصلاً چی هستند؟ دنیای ما دنیای عادت کردن و فراموشی تدریجی است. مثل صبح‌هایی که از خانه بیرون می‌زنیم و حتی به این هم فکر نمی‌کنیم که این آسمان دودی و خاکستری بالای سرمان باید آبی باشد و هوایی که می‌دهیم توی ریه نباید حاوی این حجم از فلزات و گازهای مضر باشد ولی ما به این چیزها عادت کرده‌ایم و اگر چند روز در سال بادوباران، یک آسمان آبی نساندند و به باور مرده‌مان شوک ندهند، دیگر برای همیشه آسمان آبی را فراموش خواهیم کرد و خاکستری بودنش را به رسمیت خواهیم شناخت. مگر در همین دنیای معاصر کم بوده‌اند توده‌های غریبه‌ای که به‌زور جایی را زخم انداخته و صاحب شده‌اند و بعد کم‌کم متاستاز داده‌اند به دیگر مناطق و بعد کم‌کم اعتراض‌های اطراف‌شان کم شده و بعد عادی شده‌اند و بعد ظلم‌شان فراموش شده و بعد همه دست برداری سوی‌شان دراز کرده‌اند؟ پارسال همین روزها بود که خبر شیوع ویروس جدید در چین را می‌خواندیم و عکس و ویدئوهایی را از آن می‌دیدیم که مشابه‌شان را قبلاً فقط در فیلم‌های هالیوودی دیده بودیم. پارسال همین روزها بود که فکرش را هم نمی‌کردیم یک سال دیگر خودمان قرار است روی هالیوود را سفید کنیم. حالا ما طالع‌بین‌های هندی در لباس‌های رنگارنگ و گشادشان نشسته‌اند و می‌گویند از بابت سال آینده خیال‌تان راحت! گاو سال نو از راه رسیده و نحسی سال موش گذشته و دیگر تا ۶۰ سال دیگر هم بر نمی‌گردد. اما ویروس کرونا هنوز برای دنیا عادی نشده‌است. رسانه‌های دنیا هر روز می‌گویند کاری‌کنند که این آمار و اعداد روزانه از تعداد مبتلایان و کشته‌های ویروس کرونا عادی نشود. روزنامه نیویورک تایمز چند ماه پیش صفحه اولش را پر کرد از ده‌ها نام و نام خانوادگی از کشته‌شدگان آن روز کرونا. برای این که به مردم بفهماند کسانی که با این بیماری جان‌شان را از دست می‌دهند انسانند، نه فقط چند عدد و نمودار که هر روز بالا و پایین می‌روند و پیک‌های آماری همه‌گیری را می‌سازند. اما حالا که یک سالی از شیوع این بیماری گذشته بد نیست به یکی دو مقاله از سازمان ملل که به تازگی منتشر شده است رجوع کنیم و آمار و ارقامی را بشماریم که دیگر برایمان عادی شده و روزنامه‌ای هم عده‌های‌شان را تبدیل به نام و نام خانوادگی نمی‌کند. به گزارش برنامه جهانی غذا، وابسته به سازمان ملل متحد در دوران همه‌گیری کرونا که تا الان دومیلیون و ۳۸۰ هزار نفر به وسیله آن از دنیا رفته‌اند، هفت میلیون نفر در جهان به دلیل گرسنگی جان‌شان را از دست داده‌اند. برنامه جهانی غذا می‌گوید برنامه ما این بود که تا سال ۲۰۳۰ گرسنگی را در جهان ریشه‌کن کنیم اما آمار مرگ و میر گرسنگی هرسال رو به افزایش است و حالا همه‌گیری کرونا هم کار را برایمان سخت‌تر کرد. سال گذشته تعداد کسانی که از گرسنگی جان‌شان را از دست داده‌اند بیش از سه برابر تلفات کرونا بوده اما گرسنگی دیگر برای مردم دنیا عادی شده‌است. دیگر مثل مردم صدسال تنهایی یادشان نمی‌آید این آمار و ارقام اصلاً چی هستند و طالع‌بین‌های چینی هم از آینده مردم گرسنه دنیا و سال و ماه رخت پرستن نحسی خبر ندارند.

یادداشت

برنامه جامع «اقدام»

برجام و تجربه مذاکرات با ۵۰۰ میلیاردی تجربه ملی ببینیم و به آن توجه داشته باشیم. با گذشت چند سال از این ماجرا و فقدان دستاوردهای مورد انتظار، این اتفاق باید در حافظه ملت ما باقی بماند. یکی از نکات موجود در این خصوص این است که در یک تجربه جمعی ملت ما موخت غربی‌ها به تعهدات خود پایبند نیستند. یعنی آمریکایی‌ها با وجود پذیرش تعهداتی در برجام و قبول این مساله که روند همکاری‌های اقتصادی ایران با محیط بین‌المللی را عادی کنند، این تعهد را زیر پا گذاشتند. از دوره اوباما این نقض تعهد آغاز شد و در دوره ترامپ به اوج خود رسید و با خروج از برجام و پس از آن، تحریم‌هایی علیه ایران اعمال شد. در برجام بسیاری از تحریم‌ها در مورد افراد و شرکت‌های ایرانی رفع یا تعلیق شده بود اما نه فقط ترامپ آن تحریم را برگرداند بلکه بیش از ۸۰۰۰ مورد تحریم جدید را علیه کشورمان اعمال کرد و ضمن تحریم مجدد افراد، نهادها و موسسات را مورد تحریم قرار داد. اروپایی‌ها هم بعد از خروج آمریکا از برجام، ۱۱ تعهد در قبال ایران متقبل شدند اما به هیچ‌کدام عمل نکردند. یکی از مقدمات آن تعهدات فعال کردن یک کانال و مکانیسم مالی به نام اینستکس میان ایران و اروپا بود تا کشورمان بتواند فارغ از فشارهای آمریکا، با اروپا وارد معاملات تجاری شود. اما اینستکس به سرانجام نرسید و صرفاً یک مورد تراکنش در داخل آن اتفاق افتاد که ارزش چندانی نداشت. مجموعه رفتار غربی‌ها به ما نشان داد نمی‌توانیم به تعهدات آنها روی کاغذ توجه کنیم و هم این که اصولاً نگاه به غرب برای حل مشکلات اقتصادی، نتیجه‌بخش نیست. با استفاده از این تجربه ملی باید مدنظر داشته باشیم که فقط در صورت اقدام عملی برای رفع مؤثر تحریم‌ها - که ما اثر بخشی رفع تحریم‌ها را شاهد باشیم - می‌توانیم به اجرای تعهدات سابق خود برگردیم. موضع رهبر معظم انقلاب هم منطق بر همین نگاه است. ایشان تبیین کردند که ایران فقط در مقابل عمل طرف مقابل حاضر به اقدامات عملی خواهد بود. به یاد داریم بعد از برجام، هیات‌های مختلف خارجی به ایران آمدند و در زمینه همکاری اقتصادی و تجارت با مقامات ایرانی گفت‌وگو کردند اما ثمره‌ای از این هیات‌های تجاری ندیدیم. اروپایی‌ها حتی ادعا کردند قوانین مسدودسازی را تصویب خواهند کرد تا مانع خروج شرکت‌های اروپایی از ایران شوند اما موفقیتی در این زمینه نداشتند. امروز نه‌باید به آنچه آنها روی کاغذ می‌نویسند یا در بیانیه‌هایشان اشاره می‌کنند و حتی در قبال توافقات صورت گرفته چه امضایی می‌دهند، راضی باشیم. چون این امضاها تضمینی برای ایران نیست، بلکه مهم اقدام عملی است که ایران بتواند به صورت مؤثر اطمینان یابد که تحریم‌هایی اثر شدند. بر همین اساس برای ایران مهم است بدانیم نفت ما در مسیرهای قانونی به فروش می‌رسد. البته ایران راه‌هایی را برای فروش نفت پیدا کرده اما غربی‌ها اگر می‌خواهند نشان دهند که صادق هستند، باید مسیرهایی را ایجاد کنند تا فروش نفت به وضعیت طبیعی خود برگردد. نکته دیگر این که ما به منابع درآمدی حاصل از فروش نفت دسترسی پیدا کنیم. اقدام دیگر تراکنش‌های بانکی است که بین ایران کشورهای دیگر ایجاد می‌شود اما تاکنون این بانک‌ها با توجه به تحریم‌های آمریکایی از هرگونه همکاری خودداری کردند. ایران تنها در صورت این اقدامات عملی است که به تعهدات خود براساس منافع ملی باز خواهد گشت.

«آگهی تمدید مدت زمان فروش و تحویل اسناد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی»

«انجام خدمات حفاظت فیزیکی در شرکت معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران»

گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران

شرح در صفحه ۳

م‌الف/۳۹۴۱

ZARSHOURAN

شرکت گسترش معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران